

Common proverbs in Persian and Urdu

Seyyed Tasnim Fatemeh Naqvi¹

Master's student of Persian language & literature, Open University, Al-Mustafa International University
of Qom, Qom, Iran

supervisor: Atefeh khodayi²

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa
International University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Since the Urdu language has grown and developed in the environment of the Persian language, it influenced from the Persian language to the point where more than half of its vocabulary has been directly or indirectly borrowed from the Persian language. This effect is more visible in grammar, alphabet and poetry. Proverbs are one of the important parts of literature (especially oral literature) that can determine the degree of proximity of two languages in terms of meaning and vocabulary. In this research, we were looking for proverbs that use similar or identical words in Urdu and Persian languages.

Keywords: proverb, Persian language, Urdu language.

¹ Email: tasneem.nakvi@gmail.com

² Email: A.khodayi@mou.ir

ضرب المثل‌های مشترک در زبان فارسی و اردو

سیده تسنیم فاطمه نقوی^۱

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

استاد ناظر: عاطفه خدایی^۲

استاد همکار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

چکیده

زبان اردو چون در محیط زبان فارسی رشد کرده و بالیده، تأثیر بسیاری از زبان فارسی گرفته است تا جایی که بیش از نیمی از واژگان خود را به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از زبان فارسی گرفته است. این تأثیر در دستور زبان، الفبا و شعر بیشتر مشاهده می‌شود. ضرب المثل‌ها یکی از بخش‌های مهم ادبیات (به‌ویژه ادبیات شفاهی) هستند که می‌توانند میزان نزدیکی دو زبان را به لحاظ معنا و واژگان مشخص کنند. در این پژوهش در جستجوی ضرب‌المثل‌هایی بودیم که در زبان اردو و فارسی از واژگان نزدیک یا یکسان استفاده کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: ضرب‌المثل، زبان فارسی، زبان اردو.

¹ Email: tasneem.nakvi@gmail.com

² Email: A.khadayi@mou.ir

۱. مقدمه

نزدیکی زبان فارسی به اردو در شبه قاره هند و پاکستان زبانزد عام و خاص است. وجود شعرای بزرگی چون امیر خسرو، غالب، اقبال، بیدل، ابوالفرج رونی، ادیب پیشاوری و... که به فارسی شعر سروده‌اند، بر این باور همگانی مهر تأیید زده است. تاریخ حضور زبان فارسی به پیش از فتح هند در زمان سلطان محمود غزنوی بازمی‌گردد و در زمان وی و حکومت ترکان پس از او، این حضور تثبیت می‌گردد و در نتیجه امتزاج فارسی با زبان‌های بومی شبه قاره، به ویژه زبان هندی، زبان اردو پدید می‌آید. ارباب یوسف رضا چشتی شاعر و پژوهشگر اردو و هندو از قول محققین می‌گوید فارسی در بر صغیر [شبه قاره] هشتصد سال حکومت داشته است.

«یکی از دلایل مهم گسترش زبان فارسی در میان مردم هند، کوشش‌های صوفیان ایرانی برای تبلیغ دین مبین اسلام در میان مردم هند بود. عرفای ایرانی، زبان فارسی را با استفاده از قوت وعظ و تبلیغ، دوشادوش دین اسلام در هند گسترش دادند؛ بدین صورت مردم به دست آنان مسلمان می‌شدند و برای فهم درست دین مبین اسلام و سخنان صوفیه، یاد گرفتن زبان فارسی برایشان بسیار لازم می‌نمود.» (زیدی، ۱۳۸۹: ۹۰)

بررسی زبان اردو نشان می‌دهد که تأثیر زبان فارسی بر اردو اگرچه برای گسترش دامنه ادبیات در این زبان بوده؛ ولی این اثرپذیری دایره گسترده‌ای داشته، شامل اسامی، افعال، حروف، محاورات، تشبیهات، استعاره‌ها، ترکیب‌ها و ضرب‌المثل‌ها می‌شود. در استفاده از ضرب‌المثل‌ها گاهی خود ضرب‌المثل استفاده می‌شود مثلاً: کند هم جنس با هم جنس پرواز. حساب دوستان در دل، دروغ بر گردن ملا، هم خرما هم ثواب، عذر بدتر از گناه؛ و گاهی هم ضرب‌المثل عیناً به اردو ترجمه شده است.^۱ در این پژوهش تلاش شده است تا ضرب‌المثل‌هایی جمع‌آوری شود که در آن خود واژگان فارسی یا واژگان اردوی نزدیک به فارسی استفاده شده باشد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تأثیرات زبان و ادبیات فارسی بر زبان اردو

زبان اردو به عنوان یک زبان هندی، زیر شاخه زبان‌های هند و ایرانی تقسیم‌بندی می‌شود؛ اما نزدیکی این زبان با زبان فارسی تا حدی است که این دو زبان را نزدیک‌ترین زبان‌های دنیا به شمار می‌آورند. کافی است نام «محمد اقبال لاهوری» و اشعار دلنشین وی در زبان فارسی را در ذهن داشته باشیم تا نزدیکی فرهنگی و ادبی دو زبان فارسی و اردو را دریابیم. مسئله تأثیر زبان فارسی بر اردو در سطوح آوایی و ساختارهای دستوری درخور بررسی است. به نظر اتو یسپرسن^۲، زبان‌شناس دانمارکی، کمتر پیش می‌آید که یک زبان، حروف تعریف، ضمائر و افعال را از زبانی دیگر وام بگیرد (Bahri 1960, p. 20)؛ اما این اتفاق در زبان اردو افتاده است و صفت، فعل، پیشوند و پسوند و حروف نیز از زبان فارسی وارد زبان اردو شده است. «اسکندر عباس زیدی» در مقاله‌ای درباره تأثیرات زبان و ادبیات فارسی بر زبان اردو را چنین دسته‌بندی کرده است.^۳

^۱ . ر.ک به <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/09/09/2814735>

^۲ Otto Jespersen.

^۳ . ایشان این ویژگی‌ها را به تفصیل آورده که ما خلاصه‌ای از آن ارائه می‌دهیم. برای دریافت مطلب کامل به صفحات ۹۶-۱۰۵ مقاله ایشان مراجعه کنید.

۲-۲. تأثیرهای زبانی

دو زبان فارسی و اردو در سطح الفاظ، کلمه‌ها، افعال و ... به طور محسوس نزدیکی دارند. تعداد واژگان دارای ریشه مشترک بسیار زیاد است و برخی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات دارای مفهوم یکسان با کلمات مختلف هستند. زبان اردو بسیاری از اسم‌ها، فعل‌ها، حروف و قیدها را از فارسی گرفته است. بسیاری از واژه‌های مرکب فارسی که با وندها ساخته شده‌اند؛ نیز وارد زبان اردو شده است. بسیاری از واژگان فارسی در زبان اردو تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده‌اند و به همان شکل فارسی استفاده می‌شوند. تأثیرپذیری زبانی در شعر نمود بیشتری دارد. شعر اردو نه تنها در محتوا که در قالب شعری، وزن و حوزه عروضی هم از شعر فارسی اثر پذیرفته است.

۲-۳. تأثیرهای ادبی

بسیاری از مضامین شاعرانه و واژگان شعری در زبان اردو از فارسی گرفته شده است. شاعران اردو در حوزه انواع و قالب‌های شعری، مضامین و واژگان از استادان شعر فارسی تبعیت کرده‌اند. این تأثیر در غزل اردو بیشتر مشهود است. مباحث علم بیان، آرایه‌های لفظی و معنوی و فنون عروض و قافیه فارسی در زبان اردو نیز متداول است. همچنین گنجینه بزرگ ترکیبات، تشبیهات و کنایات زبان و ادب فارسی نیز برای مردم اردو زبان آشنا و مورد استفاده است.

۲-۴. تأثیرهای درون مایه‌ای

تشبیهات، استعارات، مضمون‌های عشق و محبت، تلمیحات و کنایات شعری در شعر اردو از جهت سبک و کاربرد مثل شعر فارسی است. حتی اندیشه‌های فلسفی و مذهبی عمیق در ادبیات اردو همه از زبان و ادبیات فارسی گرفته شده است. موضوعات امروزی‌تر مانند آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی، استعمار، وطن‌پرستی، طرفداری از ستم‌کشان و مستضعفان، انقلاب، شهادت و ... هم در شعر فارسی و اردو گستردگی فراوانی یافته است. یکی از وجوه قابل توجه تأثیر ادبیات فارسی امروز ایران در پاکستان، تأثیر انقلاب اسلامی ایران است. شاعران اردو زبان به میزان زیادی از انقلاب اسلامی الهام گرفته‌اند و شعر سروده‌اند. (تلخیص از زیدی، ۱۳۸۹: ۹۶-۱۰۵)

۳. ضرب‌المثل چیست؟

در فرهنگ عمید مثل یا ضرب‌المثل را «کلامی کوتاه و کلیشه‌ای برای بیان معنایی عمیق که میان مردم مشهور است» تعریف کرده‌اند. (عمید، ۱۳۸۹، ذیل مثل) مثل کلمه‌ای عربی است از ماده مثول که در فرهنگ‌ها به معنی «مانند»، «برهان»، «پند»، «علامت»، «قصه» و «سرگذشت» آمده است. در فارسی به آن «داستان»، «دستان»، «نمون»، «نیوشه»، «ضرب‌المثل» و «تمثیل» نیز گفته‌اند. (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۴)

ضرب‌المثل‌ها آینه تمام‌نمای فرهنگ یک مملکت هستند، راهی درخور برای انتقال حکمت‌های تجربی مردم که باعث غنای فکری و فرهنگی اقوام می‌شود. «مثل‌ها عامل حفظ و بقای واژگان، کنایات و اصطلاحات زبان و باعث توانمندی و غنای آن نیز می‌شوند که از این حیث مثل، همان جایگاه شعر را در غنای فرهنگی ملت‌ها می‌یابد. مثل‌ها که از سینه‌ای به سینه‌ای و از نسلی به نسلی منتقل می‌شوند و بر غنای آن‌ها افزوده می‌گردد، نشان خردمندی، ذوق و ذائقه هر ملتی است؛ از این رو گستره و کمیت مثل‌ها در هر ملتی با میزان دانایی و خردمندی آنان بستگی مستقیم دارد.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۷)

در ادامه به چند تعریف از مثل می پردازیم؛ گرچه هنوز دانشمندان علوم ادبی به تعریفی جامع نرسیده اند.

عَلَّامَه می آورد: «مثل عبارت نغز پر معنی است که شهرت یافته، در خور شهرت قبول عامه باشد اعم از اینکه مبتنی بر قصه یا داستان باشد و مورد و مضرب داشته باشد یا نباشد». (همایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵)

احمد بهمنیار هم می نویسد: «مثل جمله ای است مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ روشنی معنی و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند.» (بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۹)

از نظر علی اکبر دهخدا: «مثل تشبیه کردن معقولی یا امری انتزاعی یا محسوس به محسوس با عبارتی کوتاه و نسبتاً فصیح است برای روشن کردن یا اثر زیاده دادن به معقول مثل همه امثال غیر حکمی». (دبیرسیاقی، ۱۳۶۶: ۲۱)

۳-۱. ضرب المثل مشترک در زبان فارسی و اردو

ضرب المثل ها در زبان اردو مشترکات فراوانی با زبان فارسی دارند. این مشترکات از دو سو قابل بررسی است: یکی ضرب المثل هایی که محتوای مشترک با مثل فارسی دارند و دیگر آن هایی که از واژگان مشترک هم در آن ها استفاده شده است. با توجه به تعداد زیاد ضرب-المثل های مشترک در دو زبان، تنها به بررسی آن هایی می پردازیم که در آن ها از واژه های مشترک استفاده شده است.

سید عزیز مهدی رضوی از سادات رضوی، یکی از محققان هندی ساکن ایران می گوید «یکی دیگر از موارد تاثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر هندی و مشترکات ایران و هند نفوذ ضرب المثل های فارسی در هند است، به گونه ای که در تحقیقی که من کرده ام ۱۷۰ ضرب المثل در هند داریم که به فارسی ادا می شود.» این شاعر هندی گفت: «از این ۱۷۰ ضرب المثل، ۷۰ عدد در کتاب های امثال فارسی نیز نیامده است و این نشان از عمق و قدمت رابطه فرهنگی ایران و هند دارد».

به شواهد زیر توجه کنید:

۱. تا دم است، غم است.

جب تک دم به تب تک غم به

کاربرد: این مثل در زبان فارسی امروزی کاربردی ندارد. در زبان اردو در جایی استفاده می شود که بخواهد به مخاطب یادآوری کند، غم همزاد انسان است و تا دم مرگ همراه او.

۲. خودکرده را علاج (تدبیر) نیست.

اپنے کئے کا علاج نہیں

کاربرد: وقتی کسی خودش را دچار مشکل کند و خودش برای خودش گرفتاری و ناراحتی درست کند، مردم به او می گویند: «خود کرده را تدبیر نیست.» یعنی هر بلایی هست، خودت بر سر خودت آورده ای؛ پس باید مشکلاتش را هم تحمل کنی و دم بر نیاوری.

۳. عاقلان را يك اشاره كافي است.

عقل مند کو اشاره کافی ہے

کاربرد: یک اشاره چشم یا ابرو کافی است تا شخص تیز هوش دانا مقصود طرف را درک کند. مرد عاقل و خردمند با کمترین اشاره‌ای یا کوتاه ترین بیانی پند و درس عبرت می گیرد. این مثل در شعر مولانا تیز آمده است:

عاقلان را یک اشارت بس بود عاشقان را تشنگی زان کی رود
(مولانا، ۱۳۹۳، ج ۵: ۱۲۴۸)

۴. دوست آن باشد که گیرد دست دوست

دوست و بی جو مصیبت میں کام آئے

کاربرد: دوست کسی است که موقع ناراحتی و گرفتاری دست دوست خود را بگیرد و به او کمک کند. کسی که در سختی ها دوست خود را تنها می گذارد را نباید دوست دانست.
این ضرب المثل بخشي از شعر سعدي است:

دوست مشمار آنکه در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
(سعدي، ۱۳۸۴: ۹۵)

۵. امروز نقد، فردا نسیه

آج نقد کل ادھار

کاربرد: از آنجایی که هر فردایی که فردا برسد تبدیل به امروز می گردد بنابراین این عبارت یعنی: نسیه داده نمی شود.

۶. میهمان تا سه روز عزیز است.

ایک دن مہمان، دو دن مہمان تیسرے روز بلائے جان

کاربرد: مهمان اگر بیشتر از یکی دو روز بماند مایه دردسر برای میزبان است. این مثل به اشکال زیر هم در زبان فارسي آمده است.

مہمان ہدیہ خداست، اما اگر نخواست برود بلاست. (حیدری ابھری، ۱۳۸۵: ۶۷۲)

مہمان گرچہ عزیز است، ولی همچو نفس خفقان آرد اگر آید و بیرون نرود!
(همان)

۷. آزموده را آزمودن خطا است (جهل است).

آزمائے کو آزمانا جہالت ہے

کاربرد: کنایه از آن است که اگر کسی در انجام وظیفه و یا وعده‌ای که برعهده گرفته است موفق نباشد و این ناکامی و ناتوانی به تکرار هم نشسته باشد، نمی‌توان از او در آن عرصه انتظار موفقیت داشت چرا که نتیجه از قبل مشخص است و آن خروج ناموفق از آزمون دیگر است.

۸. يك انار و صد بیمار

ایک انار سو بیمار

کاربرد: در منابع اردو آمده است که این ضرب‌المثل برای اولین بار این ضرب‌المثل از فارسی به اردو در سال ۱۸۱۰م استفاده شده است. زمانی به کار می‌رود که تعداد نیازمندان از درمان بیشتر است. ظاهراً در زبان اردو معمولاً وقتی استفاده می‌شود که افراد زیادی یک فرد مجرد را دوست دارند.

۹. هنوز دهلي دور است

ابهی دلی دور ہے

کاربرد: می‌گویند زمانی که نادرشاه برای فتح کابل و جلال آباد با سرعت طوفان پیش می‌رفت، توجه محمد شاه رنگيله به این خطر فوری در دربار دهلی جلب شد. بی تفاوتی نشان داد و گفت: «هنوز دهلی دور است!» حتی زمانی که نادرشاه لاهور را فتح کرد، پاسخ محمد شاه رنگيله این بود: «هنوز دهلی دور است!»

این ضرب‌المثل وقتی به کار می‌رود که باید یادآوری کرد، هنوز زمان تا رسیدن به هدف وجود دارد.

۱۰. تشنه در خواب آب می‌بیند

بلی کو خواب میں چھیچھڑے

کاربرد: این ضرب‌المثل در زبان فارسی کامل‌تر است:

گشنه خواب نان می‌بیند، تشنه خواب آب

انسان‌ها همیشه به دنبال کمبودها و نداشته‌های خود هستند.

۱۱. حرف می‌ماند و وقت نمی‌ماند

بات ره جاتی ہے اور وقت گزر جاتا ہے

این مثل در زبان امروز فارسی کاربردی ندارد.

۱۲. تدبیر کند بنده، تقدیر زند خنده

تدبیر کے پر جلتے ہیں تقدیر کے آگے

کاربرد: این مثل بیشتر به شکل «تدبیر کند بنده و تقدیر نداند» در فارسی دیده می‌شود که مصرعی از شعر مولانا است:

تدبیر کند بنده و تقدیر نداند تدبیر به تقدیر خداوند نماند

(مولانا، ۱۳۸۷: ۷۸، بیت ۶۸۰۰)

که معنای آن بیت، این است که بنده (انسان) در زندگی خود برنامه ریزی‌هایی می‌کند اما خداوند تقدیر و قضاء و قدر خود را اعمال می‌کند. یعنی اگر برنامه ریزی‌های انسان‌ها بر خلاف سنت‌های لا یتغیر الهی و برخلاف قضاء الهی باشد به نتیجه‌ای نخواهد نرسید.

۱۳. خود مرد، جهان مرد

جان بے تو جهان بے

کاربرد: زندگی از هر چیز دیگری ارزشمندتر است، اگر کسی زنده بماند می‌تواند دنیا را داشته باشد. برای نشان دادن ارزش زندگی به کار می‌رود، البته در زبان فارسی چندان کاربردی ندارد.

۱۴. حرام خوردی و آن هم شلغم

حرام کهایا وه بهی شلجم

کاربرد: این ضرب المثل را هنگامی به کار می‌برند که بخواهند بگویند گناه نکن اما اگر گناه هم می‌خواهی بکنی لااقل برای چیزی بکن که ارزشش را داشته باشد.

۱۵. دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست

خدا مهربان تو کیا غم

کاربرد: این مثل در زبان فارسی عبارتی در گلستان سعدی است:

دشمن چه زند چو مهربان باشد دوست.

این مثل برای بی تاثیر بودن حسادت و بدگویی استفاده می‌شود، وقتی نظر دوست و همراه مثبت است و سعایت بی فایده.

۱۶. میوه از میوه رنگ می‌گیرد.

خربوزے کو دیکھ کر خربوزہ رنگ پکڑتا ہے

کاربرد: در اثر همنشینی و دوستی، آدم‌ها مثل هم می‌شوند و اخلاق و رفتارشان شبیه هم می‌شود. در کل این مثل اشاره به نشست و برخاست با هم نوع و هم جنس دارد، و تغییر رنگ و رفتار در اثر نبود این هم نشینی. به قولی دیگر، هر که با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود. در زبان فارسی این ضرب المثل استفاده نمی‌شود و به نظر می‌رسد این مثل امروزی بیشتر شبیه است: آلو چو به آلو نگرَد، رنگ بر آرد.

۱۷. آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

دور کے ڈھول سہانے

آواز دهل همان داشته‌های پوچ دیگران است که ما تنها فریب تعریف و تمجیدهای اطرافیان از آن را می‌خوریم ولی نزدیکتر که می‌شویم، چیز با ارزشی را نمی‌بینیم. شنیدن وصف خوشی‌ها همیشه واقعیت ندارد و این بدین معنی است که تا از نزدیک، چیزی را خودت ندیدی و تجربه نکردی، به خوب بودن آن اعتماد نکن.

۱۸. دل به دل راه دارد.

دل کو دل سے راہ ہوتی ہے

کاربرد: این مثل در زمان‌هایی به کار می‌رود که هنگام ابراز علاقه به دیگری، طرف مقابل هم ابراز می‌دارد که چنین حسی به طرف اول دارد، یا در ذهن داریم به کسی فکر می‌کنیم ناگهان یا با ما تماس می‌گیرد و یا با او برخورد می‌کنیم این مواقع است که حس می‌کنیم واقعا پیوندی نامرئی بین قلوب برقرار است. این یعنی دوستی و محبت راه دل را به دل باز کرده، قلب‌ها را به یکدیگر ارتباط می‌دهد؛ عشق و علاقه دو طرفه است.

۱۹. در دریا ماندن و با نهنگ جنگیدن

دریا میں رہنا مگر مچھ سے بیر

کاربرد: این مثل در زبان فارسی به کار نمی‌رود و در زبان اردو نیز بدین معنی است که وقتی از مواهب چیزی استفاده می‌کنی، ناچار با خطرات هم درگیر خواهی بود.

۲۰. دیوار گوش دارد.

دیوار کے بھی کان ہوتے ہیں

کاربرد: ضرب المثل “دیوار گوش داره” بر روی راز داری تأکید دارد و کنایه از این است که نباید هر حرف یا رازی را پیش دیگران باز گو کرد، زیرا همه ی کسانی که در ظاهر با ما دوست هستند افراد قابل اعتمادی نبوده و ممکن است سخنی که از ما شنیده‌اند را پیش دیگران افشا کنند. در زبان فارسی این ضرب‌المثل به شکل “دیوار موش داره، موشم گوش داره” معروف‌تر است.

۲۱. دشمن دانا به از دوست نادان است.

دانا دشمن بیوقوف دوست سے اچھا ہے

کاربرد: دشمن قوی، حریف قوی تر می‌طلبد به همین خاطر برای این که بتوانیم با دشمن خود رقابت کنیم آگاهی و توانمندی خود را بالا می‌بریم و فرصت پیشرفت پیدا می‌کنیم اما دوست نادان با راهنمایی اشتباه ما را درگیر مشکلات فراوان می‌کند.

ضرب المثل «دشمن دانا بلندت می‌کند / بر زمینت می‌زند نادان دوست» هم معادل ضرب المثل ذکر شده است.

۴. نتیجه‌گیری

زبان اردو چون در محیط زبان فارسی رشد کرده و بالیده است، تاثیر بسیاری از زبان فارسی گرفته است تا جایی که بیش از نیمی از واژگان خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از زبان فارسی گرفته است. این تاثیر در دستور زبان، الفبا و شعر بیشتر مشاهده می‌شود. ضرب المثل‌ها یکی از بخش‌های مهم ادبیات (به‌ویژه ادبیات شفاهی) هستند که می‌توانند میزان نزدیکی دو زبان را به لحاظ معنا و واژگان مشخص کنند. تعداد زیادی ضرب المثل در زبان اردو وجود دارد که به لحاظ محتوایی به ضرب المثل‌های فارسی نزدیک است و علاوه بر این برخی ضرب المثل‌ها لغاتی مشابه و مضامینی شبیه با زبان فارسی دارند که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته‌ایم:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، برخی ضرب المثل‌ها که در شواهد اردو، از زبان فارسی وارد زبان اردو شده است، امروزه در میان مردم رایج نیست و این نشان می‌دهد، عمر ورود ضرب المثل فارسی به زبان اردو بسیار طولانی است و گاه به زمان غزنویان در قرن پنجم هجری بر می‌گردد. این حقیقت از طول عمر اختلاط این دو زبان سخن می‌گوید.

منابع

- بهمنیار، احمد (۱۳۸۱)، داستان‌نامه بهمنیاری، چ سوم، تهران: انتشارات تهران.
- پناهی، ثریا (۱۳۸۳)، «عناصر واژگانی فارسی در زبان اردو»، نامه فرهنگستان، س ۶، ش ۴.
- پورنامداریان، محمدتقی (۱۳۶۸)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
- حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۸۵)، حکمت‌نامه پارسیان، قم: نشر جمال.
- دبیرسیاقي، سید محمد (۱۳۶۶)، گزیده امثال و حکم، تهران: تیراژه.
- ذوالفقاري، حسن (بهار ۱۳۸۶)، بررسی ساختار ارسال مثل، پژوهش‌های ادبی، سال ۴، ش ۱۵، ص ۳۱-۶۳.
- زیدی، اسکندر عباس (۱۳۸۹)، «سهم زبان فارسی در شکل‌گیری زبان و ادبیات اردو»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۱، ش ۱، ص ۸۷-۱۰۸.
- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۸۴)، گلستان سعدی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، چ ۱۷، تهران: صفی‌علیشاه.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، سرپرست تالیف و ویرایش: فرهاد قربان‌زاده، تهران: اشجع.

مولانا، جلالا الدين (۱۳۸۷)، کلیات شمس، تصحيح بديع الزمان فروزانفر، چ ۴، تهران: اميرکبير.

_____ (۱۳۹۳)، مثنوي معنوي، شرح کریم زماني، ج ۵، چ ۲۳، تهران: اطلاعات.

همایي، جلال الدين (۱۳۷۴)، معاني و بيان، به کوشش ماهدخت همایي، ج ۳، تهران: هما.

<https://www.rekhtadictionary.com> _

Bahri, Hardev (1960), Persian Influence on Hindi, Allahabad, The Bharati Press